

اثرات توزیع مجدد درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی بر تقاضا و رفاه خانوارها با استفاده از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه

*روح‌الله مهدوی^۱

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد نفت و گاز دانشگاه علامه طباطبائی

(دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۰۳ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۸)

Redistribution Effects of Revenue from Energy Carriers Price Reform on Household Demand and Welfare using the Computable General Equilibrium Model

*Roohollah Mahdavi¹

1. Ph.D. Student of Economics, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran

(Received: 22/Feb/2015

Accepted: 8/June/2015)

Abstract:

The Effects of energy carriers price reform policy such as households demand and welfare decrease led to decision-makers attend to revenue recycling of this policy and its injection to the economy as a way to reduce or elimination of mentioned costs. Therefore, in Present research, using the Computable General Equilibrium (CGE) model based on Social Accounting Matrix (SAM) 1385, the economic effects of policies of guiding revenue of energy carriers price reform has been analyzed. In this research, three distribution policy 1) cash payment, 2) payment reduction of households to the government and 3) subsidies to the production sector has been considered in the form of different scenarios and situations. The simulation results of scenarios illustrates that if government doesn't distribute revenue from energy carriers price reform, then households welfare will have the most decrease. In addition, if government consider the combination of three methods or a combination of first and second methods as method of revenue allocation of energy carriers price reform, then households demand and welfare will have at least decrease.

Keywords: Distributional Policies, Energy Subsidy, Computable General Equilibrium Model, Household Welfare.

JEL: D11, D21, D58.

چکیده:

آثار سیاست اصلاح قیمت حامل‌های انرژی همچون کاهش رفاه و تقاضای خانوارها موجب شد تا گردش درآمد حاصل از این سیاست و تزریق آن به اقتصاد به عنوان راهکاری برای کاهش یا حذف هزینه‌های مذکور مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد. از این‌رو، در تحقیق حاضر با استفاده از الگوی تعادل عمومی (CGE) مبتنی بر ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) سال ۱۳۸۵، آثار اقتصادی سیاست‌های هدایت منابع حاصل از سیاست اصلاح قیمت حامل‌های انرژی ارزیابی و تحلیل شده است. در این تحقیق، سه سیاست توزیعی (۱) پرداخت نقدی، (۲) کاهش پرداختی خانوارها به دولت و (۳) یارانه به بخش تولیدی در قالب سناریوها و حالت‌های مختلف مدنظر قرار گرفته است. نتایج شبیه‌سازی این سناریوها نشان می‌دهد که اگر دولت منابع حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی را توزیع نکند آنگاه رفاه خانوارها بیشترین کاهش را خواهد داشت. علاوه بر این، اگر دولت ترکیبی از سه روش یا ترکیبی از روش اول و دوم را به عنوان روش‌های تخصیص منابع حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در نظر بگیرد، آنگاه رفاه و تقاضای خانوارها کمترین کاهش را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: سیاست‌های توزیعی، یارانه‌های انرژی، الگوی تعادل عمومی، رفاه خانوار.

طبقه‌بندی JEL: D58, D21, D11.

* نویسنده مسئول: روح‌الله مهدوی

E-mail: R_mahdavi_ir@yahoo.com

*Corresponding Author: Roohollah Mahdavi

۱- مقدمه

نقش اساسی انرژی در فرآیند تولید و ایجاد یک زندگی استاندارد موجب شده است تا طی دهه‌های گذشته، دولت‌ها در کشورهای مختلف در راستای ایجاد رشد و توسعه، برای مصرف انرژی یارانه‌هایی را در نظر گرفته و انرژی ارزان و در دسترس را به عنوان یکی از بنیان‌های حرکت به سمت توسعه یافتگی مد نظر قرار دهند. ولی هزینه‌های بالای یارانه‌های انرژی برای این دولت‌ها در سال‌های اخیر موجب شده است تا سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف، سیاست‌های اقتصادی مثل اصلاح قیمت حامل‌های انرژی یا تعدیل یارانه‌های انرژی را در دستور قرار داده و اجرایی کنند (نعمت الهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶). اما با اجرای این سیاست قیمتی انرژی، به دلیل تغییر در قیمت‌های نسبی و در نهایت تغییر در قدرت خرید خانوارها و هزینه‌های تولید، تقاضای انرژی هم توسط بخش‌های تولیدی و هم خانوارها کاهش یافته و با توجه به اهمیت انرژی در بخش تولید و زندگی روزمره، رشد اقتصادی و رفاه خانوارها کاهش داشته است. حال وجود هزینه‌های مذکور موجب طرح این سؤال شده است که چه سیاستی می‌تواند برای جبران یا کاهش هزینه‌های ناشی از سیاست اصلاح قیمت حامل‌های انرژی مناسب باشد. بررسی مطالعات انجام گرفته در زمینه سیاست‌گذاری انرژی و اصول بخش عمومی نشان می‌دهد که به کارگیری سیاست گردش درآمد حاصل از سیاست اصلاح قیمت حامل‌های انرژی می‌تواند با اصلاح توزیع درآمد موجب کاهش یا حذف هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی شود (وندیک و رج‌مورتیر^۱، ۲۰۱۴: ۲۰۱-۲۰۰؛ دارتانتو^۲، ۲۰۱۳: ۱۲۴-۱۲۳، کلیمنت و همکارانش^۳، ۲۰۰۷: ۲۳۰). البته گروهی از مطالعات نشان دادند که گردش درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی نمی‌تواند راهکار مناسبی برای جبران تبعات منفی سیاست اصلاح قیمت حامل‌های انرژی باشد (پاری و همکارانش^۴، ۱۹۹۹: ۷۴، گلدر و همکاران^۵، ۱۹۹۷: ۷۲۹). بنابراین این سؤال هنوز مطرح است که گردش درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی با استفاده از سیاست‌های توزیعی دولت، چه تأثیری بر اثرات رفاهی سیاست قیمتی انرژی دارد؟

به هر حال، با توجه به اینکه در شرایط فعلی اقتصاد، تعیین سیاست‌هایی برای جبران هزینه‌های اقتصادی ناشی از سیاست اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، مورد توجه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان بخش اقتصادی قرار گرفته است، تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤال مذکور در اقتصاد ایران است. به این منظور، در ادامه بعد از بیان پیشینه تحقیق، روش‌شناسی تحقیق ذکر گردیده است. در قسمت پنجم نیز نتایج شبیه‌سازی الگوی مورد استفاده تجزیه و تحلیل شده و در نهایت در قسمت ششم نتیجه‌گیری تحقیق بیان شده است.

۲- پیشینه پژوهش

ارزیابی مطالعات انجام گرفته خارجی در زمینه اصلاح قیمت حامل‌های انرژی نشان می‌دهد که این مطالعات در سال‌های اخیر در کنار اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، سیاست‌های مکملی را نیز در نظر گرفتند. تحقیقی که کلیمنت و همکارانش در این زمینه انجام دادند با استفاده از الگوی تعادل عمومی به این نتیجه رسیدند که با کاهش یارانه‌های انرژی، در کوتاه‌مدت، سطح عمومی قیمت‌ها افزایش یافته و مصرف خانوارها بالاخص خانوارهای فقیر کاهش می‌یابد. در بلندمدت، در صورتی که منابع حاصل از کاهش یارانه انرژی به سیاست‌های مالی دولت اختصاص یابد، آنگاه کاهش یارانه به نفع فقرا است. به عبارت دیگر آنها در این تحقیق ابزارهای سیاست مالی دولت (مالیات و یارانه‌ها) را به عنوان وسیله‌ای برای گردش درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی معرفی کردند (کلیمنت و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۳۱-۲۲۵). در تحقیق دیگری فراسیر و واچیک^۶ با استفاده از الگوی تعادل عمومی نشان دادند که جایگزین نمودن مالیات بر انرژی یا مالیات بر کربن با مالیات بر درآمد نیروی کار می‌تواند آثار هزینه‌ای مالیات بر انرژی را کاهش و موجب افزایش تولید شود. پس در این تحقیق نیز کاهش مالیات بر نیروی کار به عنوان کانالی برای گردش درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی مدنظر قرار گرفته است (فراسیر و واچیک، ۲۰۱۳: ۲۹۴-۲۹۳).

اما دارتانتو در مطالعه‌ای با استفاده از رهیافت شبیه‌سازی خرد الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه در زمینه کاهش یارانه سوخت و آثار آن بر سیاست مالی و فقر در کشور اندونزی، از افزایش مخارج دولت، افزایش پرداختی‌های انتقالی (توزیع

نتیجه گرفتند که افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سناریوهای مختلف در کوتاه‌مدت موجب کاهش تولید و رفاه می‌شود ولی صادرات و واردات کل افزایش خواهد یافت. علاوه بر این نتایج نشان می‌دهد که در سیاست افزایش قیمت حامل‌های انرژی و پرداخت یارانه نقدی کاهش سهم دولت از ۲۰ درصد به ۱۰ درصد باعث می‌شود نیمی از کاهش در رفاه خانوارها جبران شده و کاهش در تولید نیز تا حدی جبران گردد (شاهمرادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۹-۱۸).

پس بررسی مطالعات داخلی و خارجی حاکی از این است که اولاً عمده مطالعات در این زمینه با استفاده از الگوی تعادل عمومی است. ثانیاً در ایران مطالعاتی که بر بررسی به‌کارگیری سیاست‌های مکمل اصلاح قیمت حامل‌های انرژی تمرکز داشته باشد، اندک بوده و نتوانسته سیاست‌های مکمل مختلفی را در نظر بگیرد. البته در موارد اندکی مثل مطالعات مذکور که سیاست هدایت منابع مورد توجه قرار گرفته است، تنها پرداخت نقدی مدنظر بوده و روش‌های دیگری مطرح نشده است. در حالی که در تحقیق حاضر به عنوان نوآوری در کنار توزیع نقدی، دو روش دیگر یعنی کاهش پرداختی خانوارها به دولت (به‌واسطه کاهش پرداختی مالیات یا بیمه‌های تأمین اجتماعی) و یارانه به بخش تولیدی به عنوان سیاست هدایت منابع در نظر گرفته شده است.

۳- روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش به منظور بررسی تأثیرات سیاست توزیع درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه مبتنی بر ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۵ استفاده شده است. در واقع مزایای الگوی تعادل عمومی همچون در نظر گرفتن ارتباطات بین‌بخشی شامل بازارها (همانند بازار کالاها و خدمات و بازار عوامل تولید)، نهادها (همانند دولت، خانوار و بنگاه‌ها) و سایر ارتباطات بین‌بخشی، موجب می‌شود تا بتوان تحلیل‌های مناسب‌تری نسبت به الگوی تعادل جزئی از آثار سیاست‌های اقتصادی داشت. در الگوی تعادل عمومی مورد استفاده، به منظور بررسی سیاست اقتصادی-انرژی مذکور، در یک مرحله به قیمت حامل‌های انرژی شوک وارد شده و در مرحله بعد و به‌طور همزمان درآمد حاصل از شوک قیمتی به روش‌های توزیع نقدی، کاهش پرداختی خانوارها به دولت (کاهش پرداختی با تأمین اجتماعی) و یارانه تولیدی توزیع می‌گردد. البته سیاست‌های توزیع درآمد، مطابق با جدول (۳) در قالب

نقدی و یارانه‌های دیگر به عنوان روش‌های گردش درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی استفاده نمود. وی در این تحقیق با استفاده از فرمول FGT^1 معیار فقر را محاسبه کرده و به این نتیجه رسید که حذف ۲۵ درصد از یارانه‌های انرژی موجب می‌شود تا شاخص فقر ۲۵/۹ درصد افزایش یابد. در صورتی که منابع حاصل از حذف ۲۵ درصد یارانه انرژی به مخارج دولت اختصاص یابد آنگاه شاخص فقر ۲۷ درصد کاهش خواهد یافت. علاوه بر این، حذف ۱۰۰ درصدی یارانه انرژی و توزیع آن بین مخارج دولت، پرداخت‌های انتقالی و یارانه‌های دیگر موجب کاهش ۲۷/۷ درصدی شاخص فقر می‌شود (دارتاتو، ۲۰۱۳: ۱۳۳-۱۳۱).

بررسی مطالعات انجام شده در داخل کشور در زمینه اصلاح قیمت حامل‌های انرژی نیز نشان می‌دهد که عمده این مطالعات بر روی آثار اصلاح قیمت حامل‌های انرژی متمرکز شده و مطالعات اندکی سیاست‌های مکمل اصلاح قیمت حامل‌های انرژی را بررسی کرده‌اند. مطالعه قادری و استدلال به نظر می‌رسد که جزء اولین مطالعات در زمینه بررسی آثار به‌کارگیری سیاست‌های مکمل سیاست اصلاح قیمت حامل‌های انرژی باشد. آنها در این تحقیق با استفاده از داده‌های سری‌زمانی ۱۳۸۳-۱۳۴۶ و الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) به این نتیجه رسیدند که اولاً تغییر جبرانی از سمت گروه‌های فقیر به سمت گروه‌های ثروتمند در حال افزایش است، ثانیاً خالص رفاه از دست رفته از سمت گروه‌های فقیر به سمت گروه‌های ثروتمند در حال افزایش است، ثالثاً با اجرای سیاست افزایش قیمت برق و پرداخت یارانه مستقیم به تمام افراد جامعه، رفاه گروه‌های پایین و متوسط جامعه افزایش و رفاه گروه‌های بالا کاهش می‌یابد (قادری و استدلال، ۱۳۸۸: ۱۱۸-۱۱۰).

مطالعه دیگری که آثار به‌کارگیری سیاست مکمل اصلاح قیمت حامل‌های انرژی را با استفاده از الگوی تعادل عمومی بررسی کرده‌اند، مربوط به پژوهش شاهمرادی و همکارانش می‌باشد. تفاوت اصلی این تحقیق با مطالعه قادری و استدلال (۱۳۸۸) استفاده از رویکرد تعادل عمومی می‌باشد. در این تحقیق به طور همزمان سیاست اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و پرداخت نقدی به عنوان یک سیاست مکمل مورد بررسی قرار گرفته است. آنها در این تحقیق با استفاده از الگوی تعادل عمومی مبتنی بر ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰

1. Foster, Greer, Thorbecke (1984)

سناریوهای (۲) تا (۵) و در حالت‌های مختلفی در نظر گرفته شده است. دلیل در نظر گرفتن حالت‌های مختلف برای سیاست هدایت منابع حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، انتخاب ترکیبی از روش‌های هدایت منابع است که دارای هزینه‌های اقتصادی کمتری باشد.

۳-۱- بیان مفهومی سیاست توزیع منابع حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی

گردش درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی یکی از راهکارهای جبران یا کاهش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی است. در ادبیات اقتصادی از این موضوع به عنوان فرضیه مزیت مضاعف یا مزیت دوگانه^۱ نام برده می‌شود. این فرضیه بیان می‌کند تخصیص منابع حاصل از مالیات بر انرژی یا مالیات بر کربن می‌تواند، به طور همزمان، هم کیفیت زیست‌محیطی (انتشار کمتر دی‌اکسید کربن) و هم کیفیت اقتصادی (بهبود رفاه یا کاهش بیکاری) را بهبود دهد (سانچو، ۲۰۱۰: ۲۹۲۸).^۲ در واقع دولت می‌تواند با افزایش قیمت حامل‌های انرژی و کاهش نرخ مالیات‌های دیگر مثل مالیات بر نیروی کار، مالیات بر سرمایه، مالیات غیرمستقیم یا پرداختی‌ها برای تأمین اجتماعی^۳ ترتیبات لازم را برای بهبود رفاه یا کاهش بیکاری فراهم نماید. در فرضیه مزیت مضاعف، مزیت اول کاهش در مصرف انرژی یا آلودگی‌های زیست محیطی با اصلاح قیمت حامل‌های انرژی است که در بخش تولید و خانوار حاصل می‌شود. مزیت دوم مربوط به گردش درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و تغییرات رفاهی و در نهایت اثر مبتنی بر مالیات است (اُورلُف و گرث، ۲۰۱۲: ۶۹۸-۶۹۷). این اثر خود به دو جزء تقسیم می‌شود: تأثیر گردش درآمد و اثر متقابل مالیات. تأثیر گردش درآمد موجب بهبود رفاه شده و زیان از دست رفته را کاهش می‌دهد و اثرات متقابل بین مالیات نشان دهنده اثرات رفاهی ایجاد شده توسط روابط متقابل بین مالیات جدید و مالیات‌های موجود است. گُلدر^۵ شدت توزیع مضاعف را به سه دسته ضعیف^۶، میانه^۷ و قوی^۸ تقسیم می‌کند. فرضیه توزیع

مضاعف ضعیف این است که توزیع درآمد حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی از کانال کاهش مالیات‌های وضع شده بر عوامل تولید نسبت به پرداختی‌های یک جا به شهروندان مزیت بیشتری داشته و می‌تواند هزینه‌های رفاهی مالیات را کاهش دهد. مزیت مضاعف میانه و قوی تقریباً در یک مفهوم بکار می‌روند و به این معنی است که معاوضه مالیات بر انرژی (افزایش قیمت حامل‌های انرژی) با مالیات‌های دیگر مثل مالیات بر نیروی کار، سرمایه و پرداختی‌های بابت تأمین اجتماعی هم به لحاظ زیست‌محیطی و هم به لحاظ رفاهی وضعیت بهتری را نسبت به وضعیت قبل ایجاد می‌کند. تنها فرق بین مزیت مضاعف میانه و قوی این است که در مزیت مضاعف میانه تنها یک نوع مالیات با مالیات بر حامل‌های انرژی معاوضه می‌شود ولی در مزیت مضاعف قوی چند نوع مالیات با مالیات بر حامل‌های انرژی معاوضه می‌گردد (گُلدر، ۱۹۹۵، ۱۸۳-۱۵۷).

۴- ساختار الگوی تعادل عمومی

در چارچوب الگوی تعادل عمومی، خانوارها با حداکثرسازی مطلوبیت مقید به بودجه، بسته مصرفی خود را تعیین کرده و بنگاه‌ها نیز با قید تکنولوژی تولید، سود را حداکثر می‌کنند. این رفتار بهینه‌سازی، منحنی‌های عرضه و تقاضای کالا و عوامل تولیدی را نشان می‌دهد که در بازارها به واسطه تعادلات قیمت انعطاف‌پذیر متعادل می‌گردند. مدل تعادل عمومی مورد استفاده در این تحقیق شامل پنج بلوک تولید، تجارت خارجی، نهادها، سرمایه‌گذاری و تسویه رسمی است. رفتار هر یک از بلوک‌های مذکور توسط معادلات ریاضی مشخص می‌شود که در مجموع رفتار بخش‌ها (بنگاه‌ها، خانوارها، دولت، بخش خارجی و مکانیسم قیمتی) و زیربخش‌های مختلف (با تأکید بر زیربخش انرژی در بلوک تولیدی) یک اقتصاد را نشان می‌دهد. همان‌طوری که در شکل (۱) مشاهده می‌شود، بلوک تولیدی دارای ساختار سه لایه‌ای است. در لایه اول نهاد مرکب ارزش افزوده-انرژی و نهاد واسطه کل بر اساس تابع تولید با کشش جانشینی ثابت (CES) با هم ترکیب شده‌اند. در لایه دوم در یک طرف نهاد واسطه کل بر اساس تابع لئونتیف نهاد‌های واسطه تشکیل می‌گردد و در طرف دیگر نهاد مرکب ارزش افزوده-انرژی از تابع CES نهاد مرکب انرژی و ارزش افزوده شکل می‌گیرد. در لایه سوم نیز از یک طرف، ارزش افزوده، تابع CES نیروی کار و سرمایه بوده و در طرف دیگر نهاد

1. Double Divided Hypothesis (DDH)
2. Sancho (2010)
3. Social Security
4. Orlov & Grethe (2012)
5. Goulder (1995)
6. Weak Double Divided
7. Intermediate Double Divided
8. Strong Double Divided

که در این معادله $PEC_{eo,i}$ قیمت حامل‌های انرژی است. (۴)

$$b_i^{qte} \left(\sum_{eo} \delta_{eo,i}^{qte} EC_{eo,i}^{-\rho_i^{qte}} \right)^{-\frac{1}{\rho_i^{qte}}} - QTE_i = 0$$

حال اگر بر اساس معادله (۲) و (۴) روابط متناظر با θ_i و

$$\left(\sum_{eo} \delta_{eo,i}^{qte} EC_{eo,i}^{-\rho_i^{qte}} \right)^{-\frac{1}{\rho_i^{qte}}}$$

آنگاه معادله (۵) به دست خواهد آمد.

$$PEC_{eo,i} = PTE_i \cdot b_i^{-\rho_i^{qte}} \cdot QTE_i^{1+\rho_i^{qte}} \cdot \delta_{eo,i}^{qte} \cdot EC_{eo,i}^{-\rho_i^{qte}-1}$$

که با ساده‌سازی معادله بر حسب EC_i می‌توان معادله تقاضا برای حامل‌های انرژی را به دست آورد. (۶)

$$EC_{eo,i} = QTE_i \cdot PEC_{eo,i}^{-\frac{1}{1+\rho_i^{qte}}}$$

$$PTE_i^{-\frac{1}{1+\rho_i^{qte}}} b_i^{\frac{\rho_i^{qte}}{1+\rho_i^{qte}}} \cdot \delta_{eo,i}^{\frac{1}{1+\rho_i^{qte}}}$$

همچنین قیمت نهاده انرژی نیز به صورت زیر به دست می‌آید. (۷)

$$QTE_i \cdot PTE_i = \sum_{eo} PEC_{eo,i} \cdot EC_{eo,i}$$

بنابراین بر اساس معادلات (۶) و (۷)، تغییر در قیمت حامل‌های انرژی با تأثیرگذاری بر قیمت و تقاضای حامل‌های انرژی می‌تواند بر بخش‌های تولیدی دیگر نیز تأثیرگذار باشد. در الگوی تعادل عمومی تحقیق حاضر، به منظور وارد نمودن شوک قیمتی به قیمت حامل‌های انرژی، رابطه قیمت حامل‌های انرژی به صورت زیر تعریف شده است.

$$PEC_{eo,i} = PEC_{eo,i}^0 \times (1 + t_{eo,i})$$

بنابراین با تغییر در نرخ مالیات بر انرژی به صورت برون‌زا، قیمت حامل‌های انرژی تغییر کرده و قیمت انرژی مرکب و در نهایت قیمت ستانده کل تغییر خواهد کرد. تغییر قیمت ستانده بخش‌های مختلف نیز موجب تغییر سطح عمومی قیمت‌ها شده و در نهایت قدرت خرید و تقاضای خانوارها از بازار کالا و خدمات تغییر می‌کند.

انرژی از ترکیب حامل‌های انرژی بنزین، نفت‌گاز، نفت‌سفید، گاز مایع، نفت‌کوره و برق بر اساس تابع CES ایجاد می‌گردد. از آنجایی که این مقاله در بلوک تولیدی، بخش انرژی را بسط داده است، بنابراین در ادامه معادلات مربوط به این زیربخش تشریح شده است. معادلات مربوط به بخش‌های دیگر بلوک تولیدی بر اساس لافگرین و همکارانش (۲۰۰۲)^۱ بوده است.

۴-۱- بخش انرژی

نهاده مرکب انرژی از تابع تولید CES حامل‌های انرژی به دست می‌آید. همان‌طوری که در معادله (۱) مشاهده می‌شود حامل‌های انرژی (EC) که شامل بنزین، نفت‌سفید، نفت‌گاز، گاز مایع، نفت‌کوره و برق هستند بر مبنای فرم تبعی CES با هم ترکیب شده و نهاده مرکب انرژی را تشکیل می‌دهند. با توجه به اینکه بخشی از هدف این تحقیق در رابطه با تأثیرات اصلاح قیمت حامل‌های انرژی است پس بایستی بخش انرژی را در لایه سوم طوری مدل‌سازی کرد که امکان بررسی این سیاست باشد. به این منظور نهاده مرکب انرژی مبتنی بر تابع CES حامل‌های انرژی تشکیل شده و سپس با حداکثرسازی سود تولید انرژی مقید به تابع تولید انرژی تابع تقاضا برای حامل‌های انرژی و قیمت نهاده انرژی حاصل می‌شود.

(۱)

$$QTE_i = b_i^{qte} \left(\sum_{eo} \delta_{eo,i}^{qte} EC_{eo,i}^{-\rho_i^{qte}} \right)^{-\frac{1}{\rho_i^{qte}}}$$

که در این معادله b_i^{qte} ، $\delta_{eo,i}^{qte}$ ، $EC_{eo,i}^{-\rho_i^{qte}}$ و ρ_i^{qte} به ترتیب نشان‌دهنده پارامتر کارایی، پارامتر سهم، حامل‌های انرژی و پارامتر کشش جانشینی بین حامل‌های انرژی است. حال با حداکثر کردن سود نسبت به قید معادله (۱)، معادلات (۲)، (۳) و (۴) حاصل می‌گردد.

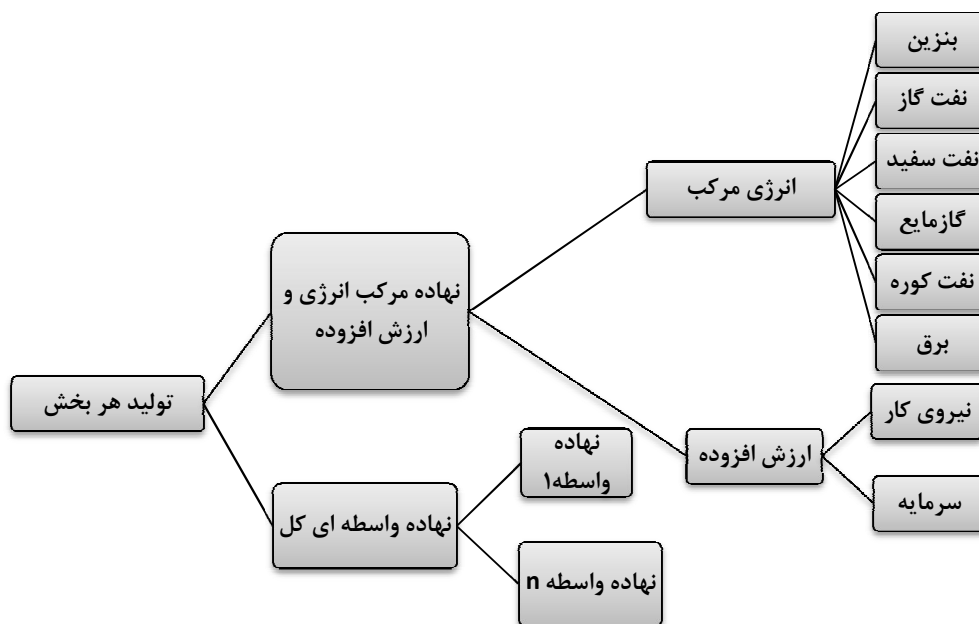
(۲)

$$PTE_i - \theta_i = 0$$

که در این معادله θ_i ضریب لاگرانژ است.

(۳)

$$-PEC_{eo,i} + [\theta_i \cdot b_i^{qte} \cdot (-\rho_i^{qte}) \cdot \delta_{eo,i}^{qte} \cdot EC_{eo,i}^{-\rho_i^{qte}-1} \cdot (-\frac{1}{\rho_i^{qte}}) \cdot \left(\sum_{eo} \delta_{eo,i}^{qte} EC_{eo,i}^{-\rho_i^{qte}} \right)^{-\frac{1}{\rho_i^{qte}-1}}] = 0$$



شکل ۱. ساختار تولیدی بخش‌ها با تأکید بر بخش انرژی

وارداتی و تولیدی در داخل شکل می‌گیرد. فرض اساسی در این بخش جانشینی ناقص بین این دو دسته کالاها است. فرض جانشینی ناقص بین واردات و کالای داخلی معروف به فرض آرمینگتون (۱۹۶۹) است. این فرض بیان می‌کند که خانوارها و بنگاه‌ها به طور مستقیم کالای وارداتی را مصرف یا استفاده نمی‌کنند بلکه کالای مرکب آرمینگتون را استفاده یا مصرف می‌کنند که ترکیبی از کالای وارداتی و داخلی است. به این منظور از تابع CES استفاده می‌شود.

(۱۲)

$$QQ_i = a_i^{qq} \cdot (\delta_i^{qq} \cdot QM_i^{-\rho_i^{qq}} + (1 - \delta_i^{qq}) \cdot QD_i^{-\rho_i^{qq}})^{\frac{1}{-\rho_i^{qq}}}$$

از حداقل‌سازی هزینه با قیمت‌های معین و مقید به تابع آرمینگتون و مقدار ثابتی از کالای مرکب دو معادله زیر دیگر شرط مرتبه اول به‌دست خواهد آمد:

(۱۳)

$$\frac{QM_i}{QD_i} = \left(\frac{PDD_i}{PM_i} \cdot \frac{\delta_i^{qq}}{1 - \delta_i^{qq}} \right)^{\frac{1}{1 + \rho_i^{qq}}}$$

که در این معادله PM_i و PDD_i به ترتیب قیمت کالای وارداتی و قیمت تقاضا برای کالای تولیدشده و فروخته‌شده در داخل است.

۴-۲- بلوک تجارت خارجی

در این بلوک فرض می‌شود که تولید داخلی (QX_i) با استفاده از تابع تبدیل با کشش ثابت (CET) به کالاهای صادراتی (QE_i) و کالای فروخته شده در داخل (QD_i) تبدیل می‌شود. تابع CET به جز کشش منفی جانشینی، با تابع CES یکسان است. همان‌طوری که در معادله (۹) مشاهده می‌شود، کشش تبدیل بین صادرات و فروش داخلی ρ_i^t است.

(۹)

$$QX_i = a_i^t \cdot (\delta_i^t \cdot QE_i^{\rho_i^t} + (1 - \delta_i^t) \cdot QD_i^{\rho_i^t})^{\frac{1}{\rho_i^t}}$$

با حداکثرسازی درآمد تولیدکننده با قیمت‌های معین و مقید به تابع CET معادلات مربوط به ترکیب بهینه صادرات و فروش داخلی و ارزش بازاری تولیدات در قیمت بازاری به‌دست خواهد آمد (معادلات (۱۰) و (۱۱)).

(۱۰)

$$\frac{QE_i}{QD_i} = \left(\frac{PE_i}{PDS_i} \cdot \frac{1 - \delta_i^t}{\delta_i^t} \right)^{\frac{1}{\rho_i^t - 1}}$$

(۱۱)

$$PX_i \cdot QX_i = PDS_i \cdot QD_i + PE_i \cdot QE_i$$

که در این معادله PE_i و PDS_i به ترتیب قیمت کالای صادراتی و قیمت عرضه برای کالای تولیدشده و فروخته‌شده در داخل است. همچنین عرضه کل نیز از ترکیب کالای

مستقیم برای عامل تولید f و انتقال درآمد بین عامل تولید f و خارج کشور است. البته درآمدهای دیگری نیز به خانوار و شرکت می‌رسد که مربوط به پرداخت‌های انتقالی سایر نهادها است.

(۱۹)

$$trans_{insdng, insdngp} = S_{insdng, insdngp} \cdot (1 - ssp_{insdngp}) \cdot (1 - taud_{insdngp}) \cdot YI_{insdngp} \quad (20)$$

$$YI_{insdng} = \sum_{f \in F} YIF_{insdng, f} + \sum_{insdngp} trans_{insdng, insdngp} + transfr_{insdng, gov} \cdot CPI + transfr_{insdng, ext} \cdot EXR$$

که در این دو معادله $ssp_{insdngp}$ ، $taud_{insdngp}$ و $S_{insdng, insdngp}$ به ترتیب نرخ مالیات مستقیم بر نهادهای غیردولتی، میل نهایی پس‌انداز نهادهای غیردولتی، سهم درآمدی نهادهای غیردولتی از نهادهای غیردولتی و پرداخت‌های انتقالی دولت به نهادهای غیردولتی است. این نکته بایستی بیان شود که در بخشی از سناریو، دولت در کنار اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، افزایش پرداختی نقدی و کاهش دریافتی‌ها از خانوارها و شرکت را به ترتیب به‌واسطه تغییر در $transfr_{insdng, gov}$ و $taud_{insdngp}$ تغییر می‌دهد (همان: ۳۱-۳۲).

۴-۳-۲- دولت

در الگوی تعادل عمومی فرض اساسی این است که مالیات را دولت جمع‌آوری کرده و کالا مصرف می‌کند. در ایران علاوه بر مالیات، درآمد نفتی (درآمد ناشی از سرمایه) نیز درآمد دولت را تشکیل می‌دهد. در کنار این دو منبع درآمدی دولت، سناریوی افزایش قیمت حامل‌های انرژی نیز درآمدی را نصیب دولت می‌کند که به صورت تفاوت ارزش حامل‌های انرژی مصرفی توسط بخش‌های مختلف اقتصادی در قبل و بعد از افزایش قیمت حامل‌های انرژی در درآمد دولت مشاهده می‌شود (معادله ۲۱).

(۲۱)

$$TRG = \sum_{insdng} taud_{insdng} \cdot YI_{insdng} + \sum_i tautz_i \cdot Z_i + \sum_i PWM_i \cdot taum_i \cdot QM_i \cdot EXR + ORI + \sum_{eo} (PQ_{eo} \cdot Q_{eo} - Q_{eo})$$

که جمله آخر در این معادله بیانگر درآمد دولت بعد از افزایش

(۱۴)

$$PQ_i \cdot QQ_i = PDD_i \cdot QD_i + PM_i \cdot QM_i$$

علاوه بر این، در این بلوک بایستی بین قیمت‌های بر حسب پول رایج داخلی (PE_i : قیمت کالای صادراتی بر حسب پول داخلی و PM_i : قیمت کالای وارداتی بر حسب پول داخلی) و قیمت‌ها بر حسب پول رایج خارجی (P_i^{we} : قیمت کالای صادراتی بر حسب پول خارجی و P_i^{wm} : قیمت کالای وارداتی بر حسب پول رایج خارجی) تمایز قائل شد. این دو دسته قیمت‌ها بر اساس معادلات زیر به هم مرتبط می‌شوند.

(۱۵)

$$P_i^e = \varepsilon \cdot P_i^{we}$$

(۱۶)

$$P_i^m = \varepsilon \cdot P_i^{wm} \cdot (1 + tm_i)$$

که در این معادله ε نشان‌دهنده نرخ ارز است (لافگرین و همکاران، ۲۰۰۲: ۳۰-۲۸).

۴-۳-۱- بلوک نهادها

این بلوک به سه زیر بخش درآمد عوامل تولید، دولت، خانوار و شرکت (مالکان بنگاه) تقسیم می‌شود. درآمد عوامل تولید بین نهادها توزیع می‌شود. همچنین بخشی از درآمد نهادهای غیردولتی خانوار و شرکت به‌واسطه پرداخت‌های انتقالی سایر نهادها حاصل می‌شود.

۴-۳-۱- توزیع درآمد عوامل تولید بین نهادها و درآمد نهادهای غیردولتی

همان‌طوری که در معادلات (۱۷) و (۱۸) مشاهده می‌شود درآمد عوامل تولید بین نهادهای داخلی (خانوارها، شرکت‌ها و دولت) بر اساس نسبت ثابتی توزیع می‌شود.

(۱۷)

$$YF_f = \sum_{i \in I} PF_i \cdot \overline{WFDIST}_f \cdot QF_f$$

که در این رابطه YF_f درآمد عامل تولید f است که طبق معادله (۱۸) بعد از مالیات مستقیم عوامل تولید و انتقالیات بین عوامل تولید و خارج، بین نهادهای داخلی توزیع می‌شود.

(۱۸)

$$YIF_{insd, f} = mm[(1 - tf_f) \cdot YF_f - transfr_{ext, f} \cdot EXR]$$

که در این معادله $YIF_{insd, f}$ ، tf_f و $transfr_{ext, f}$ به ترتیب درآمد نهادها (درآمد خانوار، شرکت و دولت)، نرخ مالیات

۴-۳-۶- الگوی محاسبه تغییرات رفاه خانوارها

در الگوی تعادل عمومی، خانوارها بر مبنای حداکثرسازی مطلوبیتی تصمیم‌گیری می‌کنند که درجه لذت افراد را اندازه‌گیری می‌کند. پس می‌تواند معیاری برای رفاه باشد. اما ماهیت ترتیبی مطلوبیت نقص اساسی این معیار محسوب می‌گردد. بنابراین در صورت استفاده از تابع مطلوبیت به عنوان معیار رفاه، تنها می‌توان بهتر و بدتر شدن وضعیت را بیان کرد و نمی‌توان تغییرات رفاهی را کمی نمود. برای رفع این کمبود، بایستی تابع مطلوبیت به سطوح مطلوبیت بر حسب مقادیر پولی تبدیل شود. به این منظور بایستی از تابع مخارج استفاده کرد که از حداقل‌سازی تابع مخارج برای رسیدن به یک سطح معینی از مطلوبیت به‌دست می‌آید یا بر اساس ریاضی خواهیم داشت:

(۲۷)

$$ep(P^q, UU) = \min_{X^P} \{P^q \cdot X^P \mid UU(X^P) = UU\}$$

که در این رابطه:

 $ep(.)$: تابع مخارج X^P : بردار مصرف خانوار P^q : بردار قیمت کالا و خدمات UU : سطح مطلوبیت (معین شده) $UU(.)$: تابع مطلوبیت

تابع مخارج $(ep(P^q, UU))$ حداقل مخارج لازم برای دستیابی به سطح معینی از مطلوبیت (UU) تحت بردار قیمتی (P^q) را نشان می‌دهد. در بیان بالا، سطح مطلوبیت تبدیل به حداقل سطح مخارج لازم برای پرداخت هزینه شده است. با مقایسه این سطوح مخارج، می‌توان در مورد تغییرات رفاهی قضاوت کمی نمود (هسو و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۳۵-۱۳۳).

در این پژوهش، علاوه بر این معیار، از معیار دیگری نیز برای ارزیابی تغییرات رفاه استفاده شده است. در معیار دوم، به منظور اندازه‌گیری تغییرات رفاهی خانوارها از میانگین وزنی مصرف خانوارها استفاده می‌شود. با توجه به اینکه در این الگوی تعادل عمومی، تمام کالاهای مصرفی توسط خانوارها، کالای خوب می‌باشند، پس بر اساس مبانی اقتصاد خرد، مصرف بیشتر از آنها به معنی انتقال به سطح مطلوبیت بالاتر یا بهبود رفاه است و کاهش مصرف این دسته از کالاها به معنی حرکت به سمت

قیمت حامل‌های انرژی است. همچنین $taum_i$ ، $tauz_i$ و ORI به ترتیب نرخ مالیات بر تولید، نرخ مالیات بر واردات و درآمد نفتی دولت است. هزینه‌های مصرفی و کل دولت نیز به صورت معادله زیر است (همان: ۳۵-۳۴).

(۲۲)

$$Xg_i = \overline{GADJ} \cdot Xg_i$$

(۲۳)

$$EG = \sum_i PQ_i \cdot XG_i + \sum_{insdng} transfr \cdot CPI + \sum_i subp + \sum_i subm$$

۴-۳-۳- خانوار

کل هزینه‌های مصرفی خانوار از طریق معادله (۲۳) به‌دست می‌آید.

(۲۴)

$$EH_{ho} = (1 - \sum_{insdng} s_{insdng,ho}) \times (1 - ssp_{ho})$$

$$\times (1 - taud_{ho}) \cdot YI_{ho}$$

با فرض اینکه هر خانوار تابع مطلوبیت استون-گیری را نسبت به قید مخارج مصرفی خانوار حداکثر کند آنگاه تابع تقاضای مصرفی خانوار به صورت زیر به‌دست خواهد آمد (همان: ۳۲).

(۲۵)

$$PQ_i \cdot QH_{ih} = PQ_i \cdot \gamma_{ih} + \beta_{ih} \cdot (EH_h - \sum PQ_i \cdot \gamma_{ih})$$

۴-۳-۴- بلوک سرمایه‌گذاری

در این بلوک تقاضای سرمایه‌گذاری به صورت زیر تعریف می‌شود.

(۲۶)

$$Xv_i = \overline{IADJ} \cdot Xv_i$$

همان‌طوری که در رابطه بالا مشاهده می‌شود، تقاضای سرمایه‌گذاری از حاصل ضرب مقداری تقاضای سرمایه‌گذاری سال پایه در عامل تعدیل که برون‌زا است، به‌دست می‌آید (همان: ۳۴-۳۳).

۴-۳-۵- بلوک تسویه

در این بلوک تعادل بازار عوامل تولید (برابری عرضه و تقاضای نیروی کار)، تعادل در بازار کالای مرکب (برابری عرضه و تقاضای کالای مرکب)، تعادل در بازار خارجی (تراز حساب جاری)، تعادل زیربخش دولت (برابری درآمد دولت و مجموع پس‌انداز و هزینه‌های کل دولت) و تعادل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری قید می‌گردد (همان: ۴۰-۳۵).

عوامل تولید شامل نیروی کار و سرمایه و نهادها شامل خانوارهای شهری و روستایی، شرکت‌ها و دولت است. همچنین مالیات‌ها بر حسب مالیات بر تولید، مالیات بر واردات و سایر مالیات و یارانه‌ها نیز بر حسب یارانه بر تولید و یارانه بر واردات بسط یافته است.^۱

۵- تجزیه و تحلیل نتایج برآورد

۵-۱- تشریح سناریوها

در این تحقیق سناریوها به دو بخش تقسیم می‌شوند. بخش اول مربوط به سناریوی قیمتی است. مطابق با جدول (۲) سناریوی مربوط به تغییر قیمت حامل‌های انرژی مبتنی بر تغییرات قیمت در شرایط فعلی است.

جدول ۲. تغییرات قیمت حامل‌های انرژی در سناریوی

قیمتی

میزان افزایش قیمت در سناریوهای قیمتی			
حامل‌های انرژی	قیمت حامل انرژی در سال ۱۳۸۵ (ریال/لیتر)	متوسط قیمت حامل انرژی در سال ۱۳۹۱ (ریال/لیتر)	درصد تغییرات
بنزین	۸۰۰	۷۰۰۰	۷۷۵
نفت سفید	۱۶۵	۱۰۰۰	۵۰۶
نفت گاز	۱۶۵	۲۵۰۰	۸۰۹
نفت کوره	۹۴/۵	۲۰۰۰	۲۰۱۶
گازمایع	۳۱/۷	۴۰۰۰	۱۲۵۱۸
برق	۱۵۲/۸	۴۰۹	۱۶۷/۷

مأخذ: محاسبات تحقیق

سناریوهای بخش دوم مربوط به سناریوهای توزیع منابع حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی است. مطابق جدول ۳ برای سناریوی قیمتی، ۴ سناریوی توزیع درآمد طراحی شده است. در واقع سناریوی مرجع، اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و عدم توزیع منابع حاصل از این سیاست است و بقیه سناریوها نسبت به این سناریوی مرجع مقایسه می‌شوند. پس برای سناریوی قیمتی ۵ شبیه‌سازی بر اساس سناریوهای توزیع منابع حاصل از افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی و برق اجرا می‌گردد. همچنین، سهم هر یک از روش‌های توزیع منابع در سناریوهای فوق مطابق با جدول (۴) است. در تعیین میزان سهم هر یک از

مطلوبیت پائین‌تر یا کاهش رفاه می‌باشد. از رابطه (۱۰) به منظور تغییرات این شاخص رفاهی استفاده شده است.

$$W_h = \sum_i \alpha_{ih} \times QH_{ih} \quad (28)$$

در این رابطه W_h شاخص رفاه، α_{ih} وزن مصرف هر کالا در سبد خانوار و QH_{ih} میزان مصرف خانوارها از هر کالا و خدمت را نشان می‌دهد. با اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، مصرف خانوارها از کالاها و خدمات تغییر کرده و در نتیجه رفاه خانوارها نیز تغییر می‌کند. در صورتی که با اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و توزیع درآمد حاصل از سیاست قیمتی، مصرف خانوارها افزایش یابد آنگاه میزان این شاخص افزایش یافته و به معنی بهبود رفاه خانوارها است و در غیر این صورت رفاه خانوارها کاهش خواهد یافت.

۴-۳-۷- ساختار ماتریس حسابداری اجتماعی

پایه آماری الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه، ماتریس حسابداری-اجتماعی است که با استفاده از این ماتریس فرآیند کالیبراسیون انجام می‌گیرد. در تحقیق حاضر، به منظور بررسی آثار سیاست‌های توزیعی منابع حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی از ماتریس حسابداری اجتماعی بخش در بخش سال ۱۳۸۵ استفاده شده است. پایه‌های آماری این ماتریس، جدول داده-ستانده مرکز پژوهش‌های مجلس و جداول درآمد-هزینه خانوارها سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۰ می‌باشد. ماتریس حسابداری اجتماعی مذکور، مطابق جدول زیر، شامل ۲۳ فعالیت است.

جدول ۱. فعالیت‌های ماتریس حسابداری اجتماعی

فعالیت‌ها	فعالیت‌ها	فعالیت‌ها	فعالیت‌ها
نفت و گاز	مواد شیمیایی	حمل و نقل زمینی	نفت گاز
کشاورزی	صنایع فلزی	حمل و نقل دریایی	نفت سفید
معادن	ماشین آلات	حمل و نقل هوایی	نفت کوره
مواد غذایی	صنایع غیرفلزی	بازرگانی	گازمایع
پوشاک	ساختمان	خدمات	برق
صنایع چوب	گاز و خدمات مربوطه	بنزین	

مأخذ: ماتریس حسابداری-اجتماعی سال ۱۳۸۵

همان‌طور که در پیوست مشاهده می‌شود، در این ماتریس

۱. در پیوست (۱) ماتریس حسابداری اجتماعی کلان سال ۱۳۸۵ ارائه شده است.

۵-۲- تجزیه و تحلیل نتایج شبیه‌سازی

بر اساس الگوی تعادل عمومی، خانوارها به عنوان مالکان عوامل تولید (نیروی کار و سرمایه) با توجه به محدودیت درآمدی، مطلوبیت خود را حداکثر می‌نمایند. با تغییر قیمت حامل‌های انرژی، قیمت‌های نسبی کالا و خدمات در بازار تغییر کرده و در نهایت با تغییر تقاضای بنگاه از عوامل تولید، قیمت عوامل تولید نیز تغییر خواهد کرد. تغییر در قیمت نهاده‌های تولید مثل درآمد حاصل از ساعات کاری و سرمایه موجب می‌گردد تا دریافتی‌های صاحبان عوامل تولید (خانوارها) تغییر نماید. بنابراین، از یک طرف، تغییر در درآمد صاحبان عوامل تولید و از طرف دیگر، تغییرات شکل گرفته در قیمت‌های نسبی کالاها و خدمات موجب می‌شود تا مقادیر مصرفی کالاها و خدمات توسط بخش‌های مصرف‌کننده تغییر کرده و در نهایت، این موضوع منجر به تغییر هزینه‌های زندگی و رفاه خانوارها خواهد شد. اجرای سیاست‌های توزیع درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی از کانال تغییر دریافتی خانوارها تا حدودی تغییرات رفاهی و هزینه‌ای خانوارها را تعدیل می‌کند.

۵-۳- تغییرات تقاضای خانوارها

نتیجه شبیه‌سازی SIM1 (افزایش قیمت حامل‌های انرژی و عدم توزیع منابع) نشان می‌دهد که با اصلاح قیمت حامل‌های انرژی تقاضای خانوار برای ستانده همه بخش‌ها به جز صنایع فلزی و حمل و نقل دریایی کاهش یافته است. افزایش حمل و نقل دریایی توسط خانوارها می‌تواند به این دلیل باشد که در برخی مسیرها که امکان جانشینی وجود دارد، به دلیل افزایش کمتر قیمت حمل و نقل دریایی نسبت به حمل و نقل زمینی و هوایی، تقاضا برای این بخش افزایش یافته است. در مورد صنایع فلزی نیز لازم به توضیح است که این صنایع شامل آهن، آلومینیوم، فولاد و سایر فلزات است که به دلیل افزایش کمتر قیمت یکی از این ستانده‌ها، تقاضای خانوارها در این بخش نیز افزایش یافته است. البته این نکته بایستی بیان شود که در سبد خانوار، ستانده بخش‌های خدمات، بازرگانی، مواد غذایی، کشاورزی، ماشین‌آلات و حمل و نقل زمینی به ترتیب با نسبت‌های ۳/۳۹، ۵/۱۳، ۷/۱۱، ۲/۱۰، ۳/۷ و ۳/۶ درصد در مجموع ۳/۸۸ درصد سبد خانوار را تشکیل می‌دهند. نتایج شبیه‌سازی سناریوی اول (SIM1) نشان می‌دهد که با اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، خانوارها بیشترین کاهش تقاضا را در ستانده این بخش‌ها داشته‌اند.

روش‌های توزیع و تخصیص منابع محدودیت اصلی این است که یارانه نقدی که در شرایط فعلی پرداخت می‌شود حذف نگردد ولی سهم آن تغییر کرده و بین دو روش توزیع دیگر تقسیم گردد.

جدول ۳. سناریوهای توزیع منابع حاصل از افزایش

قیمت حامل‌های انرژی

عنوان	نوع توزیع درآمد	توضیحات
سناریوی ۱ (SIM1)	عدم توزیع درآمد (دریافت توسط دولت)	---
سناریوی ۲ (SIM2)	توزیع درآمد به صورت پرداخت‌های نقدی	حمایت از رفاه
سناریوی ۳ (SIM3)	توزیع درآمد به صورت پرداخت‌های نقدی و کاهش دریافتی دولت از خانوار	حمایت از قدرت خرید خانوارها و نیروی کار
سناریوی ۴ (SIM4)	توزیع درآمد به صورت پرداخت‌های نقدی، کاهش دریافتی دولت از خانوارها و پرداخت یارانه به بخش تولیدی	حمایت از قدرت خرید خانوارها، نیروی کار و بخش تولیدی
سناریوی ۵ (SIM5)	توزیع درآمد به صورت پرداخت‌های نقدی و پرداخت یارانه به بخش تولیدی	حمایت از قدرت خرید خانوارها و بخش تولیدی

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۴. سهم هر یک از روش‌های توزیع درآمد از منابع

حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سناریوهای

مختلف

سناریوهای توزیع منابع	سهم هر یک از روش‌های توزیع از منابع در سناریوهای توزیع درآمد		
	پرداخت یارانه به بخش تولید	کاهش دریافتی دولت از خانوارها	توزیع نقدی
SIM1 (درصد)	---	---	---
SIM2 (درصد)	---	---	۱۰۰
SIM3 (درصد)	---	۲۰	۸۰
	---	۳۰	۷۰
SIM4 (درصد)	۵	۳۵	۶۰
	۳۵	۵	۶۰
	۲۰	۳۰	۵۰
	۳۰	۲۰	۵۰
	۳۰	۳۰	۴۰
	۵۰	۱۰	۴۰
SIM5 (درصد)	۲۰	---	۸۰
	۳۰	---	۷۰

نشان می‌دهد که وقتی سهم یارانه تولیدی به ۵۰ درصد می‌رسد تقاضای خانوارها از ستانده بخش‌های مختلف کمتر کاهش می‌یابد ولی وقتی این نسبت از ۵۰ درصد بیشتر می‌شود، تقاضای خانوارها دیگر کاهش نیافته و حتی نسبت به SIM1 نیز بیشتر کاهش می‌یابد.

۵-۴- تغییرات رفاه خانوار

نتایج شبیه‌سازی نشان می‌دهد که وقتی قیمت حامل‌های انرژی اصلاح می‌گردد و منابع حاصل از این سیاست توزیع نمی‌شود، آنگاه بر اساس هر دو شاخص رفاهی که در این تحقیق استفاده شده است، بیشترین کاهش رفاه برای خانوارها (چه روستایی و چه شهری) ایجاد می‌گردد. همان‌طوری که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، در SIM1، با اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و عدم توزیع منابع، بر اساس معیار اول، رفاه خانوارهای شهری و روستایی به ترتیب ۱۴/۴۵ و ۱۵/۰۲ درصد کاهش می‌یابد و بر مبنای معیار دوم، رفاه خانوار شهری و روستایی به ترتیب ۱۰/۹۵ و ۱۱/۶۳ درصد کاهش خواهد یافت. در سناریوی دوم (SIM2)، زمانی که درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی کاملاً به صورت نقدی توزیع می‌شود، آنگاه رفاه خانوار نسبت به سناریوی اول (SIM1) کمتر کاهش می‌یابد.

همان‌طوری که در جدول (۵) مشاهده می‌گردد، بر اساس معیار اول، رفاه خانوارهای شهری و روستایی نسبت به SIM1 تقریباً به میزان ۵۰ درصد کمتر کاهش می‌یابد ولی بر اساس معیار دوم، رفاه خانوارهای شهری و روستایی نسبت به SIM1 تقریباً به میزان ۷۵ درصد کمتر کاهش می‌یابد. شبیه‌سازی حالت‌های مختلف SIM3 نیز نشان می‌دهد، بهترین وضعیت بر اساس دو معیار اندازه‌گیری تغییرات رفاه خانوارهای شهری و روستایی، زمانی است که سهم توزیع نقدی و کاهش پرداختی خانوارها به دولت به ترتیب ۷۰ و ۳۰ درصد باشد. چون زمانی که این نحوه توزیع منابع حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی شکل می‌گیرد، نسبت به حالت‌های دیگر تولید کمتر کاهش یافته و درآمد خانوارها کاهش کمتری را نشان می‌دهد. در واقع، وقتی سهم کاهش پرداختی خانوارها به دولت از ۲۰ درصد به ۳۰ درصد تغییر کند، خانوارها ساعات کاری بیشتری عرضه داشته و در نتیجه تولید کمتر کاهش خواهد یافت. ولی زمانی که این نسبت از ۳۰ درصد بیشتر می‌شود، خانوارها فراغت بیشتری را جایگزین ساعات کاری کرده و در نتیجه تولید و درآمد کمتری ایجاد خواهد شد. کاهش درآمد خانوارها

شبیه‌سازی حالت‌های مختلف سناریوهای توزیع منابع حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی نیز نشان می‌دهد که در همه حالت‌های سناریوهای توزیعی، مصرف خانوارهای شهری و روستایی نسبت به SIM1 کمتر کاهش یافته است. نتایج شبیه‌سازی SIM2 (سناریو توزیع صد در صد نقدی) نشان می‌دهد که تقاضا برای ستانده بخش‌های مختلف کمتر کاهش یافته است. همان‌طوری که در پیوست (۲) مشاهده می‌شود، با توزیع نقدی، بیشترین فاصله بین نتایج SIM1 و SIM2 در بخش خدمات ایجاد می‌گردد. در زمانی که فقط قیمت حامل‌های انرژی اصلاح می‌شود، تقاضای خانوارهای شهری و روستایی در بخش خدمات به ترتیب ۱۶ و ۱۷ درصد کاهش می‌یابد ولی با توزیع نقدی این کاهش تقاضا به ۷ و ۸/۸ درصد می‌رسد و نشان می‌دهد که افراد بخش بیشتری از درآمد حاصل از توزیع نقدی را در بخش خدمات هزینه می‌کنند. در شبیه‌سازی SIM3 (سناریوی توزیع نقدی و کاهش پرداختی خانوارها به دولت) در نتایج مشابه با نتایج SIM2، تقاضای خانوارها از کالا و خدمات بخش‌های مختلف نسبت به SIM1 کمتر کاهش می‌یابد. البته مقایسه حالت‌های مختلف نشان می‌دهد که وقتی منابع حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی به نسبت ۷۰ و ۳۰ درصد بین توزیع نقدی و کاهش پرداختی خانوارها به دولت تقسیم می‌شود، تقاضای خانوار شهری و روستایی نسبت به سناریوی اول و دوم (SIM1 و SIM2) کمتر کاهش می‌یابد. این موضوع در مورد ستانده تمام بخش‌های تولیدی صادق است. همچنین، با توزیع منابع حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی به سه روش توزیع نقدی، کاهش پرداختی خانوارها به دولت و یارانه به بخش تولیدی (SIM4)، نتایج شبیه‌سازی نشان می‌دهد که اولاً نسبت به سناریوی عدم توزیع منابع (SIM1) تقاضای خانوارها از ستانده بخش‌های مختلف کمتر کاهش می‌یابد. ثانیاً در صورتی که سهم توزیع نقدی مقدار ثابتی مثلاً ۶۰ یا ۵۰ درصد باشد، آنگاه نتایج نشان می‌دهد که وقتی سهم یارانه بخش تولیدی بیشتر از سهم کاهش پرداختی خانوارها به دولت باشد آنگاه تقاضای خانوارها کمتر کاهش می‌یابد. ثالثاً مناسب‌ترین حالت در سناریوی چهارم، حالتی است که سهم توزیع نقدی، کاهش پرداختی خانوارها به دولت و یارانه به بخش تولیدی به ترتیب ۴۰، ۳۰ و ۳۰ درصد باشد. در سناریوی پنجم (SIM5) که منابع حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی به صورت توزیع نقدی و یارانه به بخش تولیدی تخصیص می‌یابد، شبیه‌سازی حالت‌های مختلف این سناریو

حالت‌های مختلف در SIM4 نشان می‌دهد که وقتی نسبت توزیع نقدی، کاهش پرداختی خانوارها به دولت و یارانه به بخش تولیدی به صورت ۴۰، ۳۰ و ۳۰ درصد توزیع گردد آنگاه رفاه نسبت به حالت‌های دیگر کمتر کاهش خواهد یافت. نتایج شبیه‌سازی سناریوی SIM5 نیز حاکی از این است که این نحوه توزیع منابع نسبت به SIM1 رفاه خانوارها را کمتر کاهش می‌دهد و همچنین می‌تواند نسبت به برخی حالت‌های SIM3 و SIM4 اولویت داشته باشد.

نیز موجب تغییراتی در سبد مصرفی خانوار می‌شود که رفاه خانوار را بیشتر کاهش می‌دهد. در سناریوی چهارم (SIM4) که منابع حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی به سه روش توزیع نقدی، کاهش پرداختی خانوارها به دولت و یارانه به بخش تولیدی، تخصیص یافته است، نتایج نشان می‌دهد که ترکیب سه روش توزیع منابع نتوانسته نسبت به روش‌های توزیعی مشخص شده در سناریوهای دیگر به جز سناریوی یک (SIM1) اولویت خاصی داشته باشد. البته نتایج شبیه‌سازی‌های

جدول ۵. تغییرات رفاه جامعه در واکنش به سیاست توزیعی

تغییرات شاخص رفاهی بر اساس معیار دوم	تغییرات شاخص رفاهی بر اساس معیار اول			سهم روش‌های مختلف توزیع از منابع			
	خانوار روستایی	خانوار شهری	خانوار روستایی	خانوار شهری	سهم یارانه تولیدی از منابع	سهم کاهش پرداختی خانوارها به دولت از منابع	سهم توزیع نقدی از منابع
-۱۱/۶۳	-۱۰/۹۵	-۱۵/۰۲	-۱۴/۴۵	---	---	---	SIM1
-۳/۹۳	-۲/۴	-۸/۸۶	-۷/۱۲	---	---	۱۰۰	SIM2
-۴/۴۵	-۲/۲۷	-۹/۳۴	-۷	---	۲۰	۸۰	SIM3
-۱/۷	-۰/۰۱۹	-۶/۸۲	-۴/۷۲	---	۳۰	۷۰	
-۶/۴	-۴/۷۴	-۱۱/۰۸	-۹/۱۷	۵	۳۵	۶۰	SIM4
-۴/۰۷	-۲/۳۶	-۸/۹۸	-۷/۰۹	۳۵	۵	۶۰	
-۶/۵۶	-۵/۱۴	-۱۱/۲۴	-۹/۵۳	۲۰	۳۰	۵۰	
-۴/۴۷	-۲/۲۴	-۹/۳۵	-۷	۳۰	۲۰	۵۰	
-۱/۸	-۰/۱۵۱	-۶/۸۹	-۴/۸۳	۳۰	۳۰	۴۰	
-۴/۲	-۲/۳۳	-۹/۱۱	-۷/۰۶	۵۰	۱۰	۴۰	
-۳/۹۴	-۲/۴	-۸/۸۶	-۷/۱۲	۲۰	---	۸۰	SIM5
-۳/۹۴	-۲/۴	-۸/۸۶	-۷/۱۲	۳۰	---	۷۰	

مأخذ: محاسبات تحقیق

۱- به کارگیری کاهش پرداخت‌های خانوارها به دولت در کنار روش‌های دیگر می‌تواند نسبت به توزیع نقدی راهکار مناسبی از لحاظ اقتصادی باشد. نتایج نشان می‌دهد که وقتی از سهم توزیع نقدی کاسته می‌شود و به سهم کاهش پرداختی خانوارها به دولت اضافه می‌گردد آنگاه تقاضای خانوارها از کالا و خدمات و رفاه آنها وضعیت مناسب‌تری دارند.

۲- بر اساس رفاه و تقاضای خانوارها مناسب‌ترین سناریو مربوط به دو حالت است. حالت اول مربوط به وضعیتی است که

۶- بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی اثرات سیاست‌های توزیعی در سیاست اصلاح قیمت حامل‌های انرژی بر تقاضا و رفاه خانوارها بوده است. به همین منظور با استفاده از رویکرد تعادل عمومی قابل محاسبه، سناریوهای مختلف برای گردش درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی شبیه‌سازی شده است. با شبیه‌سازی این سناریوها در قالب حالت‌های مختلف نتایج متفاوتی به دست آمده است. به طور کلی می‌توان بیان کرد که:

توزیع نقدی وضعیت تا حدودی بهبود یافته است ولی نسبت به شرایط قبل از اجرای سیاست اصلاح قیمت حامل‌های انرژی بهبود نیافته است.

با مقایسه وضعیت خانوارهای شهری و روستایی می‌توان به این نتیجه رسید که به‌کارگیری ابزار حمایت از نیروی کار (کاهش پرداختی نیروی کار به دولت) به منظور گردش درآمد حاصل از اجرای سیاست اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، بیشتر موجب بهبود وضعیت تقاضای کالا و خدمات خانوارهای شهری خواهد شد.

درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی با نسبت ۷۰ و ۳۰ درصد به ترتیب برای حمایت از قدرت خرید و نیروی کار توزیع گردد و حالت دوم، وضعیتی است که درآمدهای مذکور با نسبت ۴۰، ۳۰ و ۳۰ درصد به ترتیب برای حمایت از قدرت خرید خانوارها، حمایت از نیروی کار و حمایت از تولید توزیع گردد.

۳- نتایج نشان می‌دهد که در کشور ایران، شرایط به گونه‌ای است که سیاست گردش درآمد در کنار سیاست اصلاح قیمت حامل‌های انرژی می‌تواند فرضیه مزیت دوگانه ضعیف را تأیید نماید. چون با جانشینی بخشی از کاهش پرداختی خانوارها با

منابع

- شاهمرادی، اصغر؛ حقیقی، ایمان و زاهدی، راضیه (۱۳۹۰). "بررسی اثرات افزایش قیمت حامل‌های انرژی و پرداخت یارانه نقدی در ایران: رویکرد CGE". *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال نوزدهم، شماره ۵۷، ۳۰-۵.
- قادری جعفر و استدلال، سارا (۱۳۸۸). "بررسی تأثیر افزایش قیمت انرژی برق بر خالص رفاه گروه‌های مختلف درآمدی در ایران (۱۳۸۳-۱۳۴۶)". *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، Equilibrium Modelling Programming and Simulations". Palgrave Macmillan.
- Lofgren, H., Harris, R. L. & Robinson, S. (2002). "A Standard Computable General Equilibrium (CGE) Model in GAMS, Microcomputers in Policy Research", Washington, D.C., *International Food Policy Research Institute*.
- Orlov, A. & Grethe, H. (2012). "Carbon Taxation and Market Structure: A CGE Analysis for Russia". *Energy Policy*, 51, 696-707.
- Parry, I. W. H., Williams, R. C. & Goulder, L. H. (1999). "When Can Carbon Abatement Policies Increase Welfare? The Fundamental Role of Distorted Factor Markets". *Journal of Environmental Economics and Management*, 37(1), 52-84.
- Sancho, F. (2010). "Double Dividend Effectiveness of Energy Tax Policies and The Elasticity of Substitution: A CGE Appraisal". *Energy Policy*, 38, 2927-2933.
- Vandyck, T. & Regemorter, D. V. (2014). "Distributional and Regional Economic Impact of Energy Taxes in Belgium". *Energy Policy*, 72, 190-203.
- Clements, B., Jung, H. S. & Gupta, S. (2007). "Real and Distributive Effects of Petroleum Price Liberalization: The Case of Indonesia". *The Developing Economies*, 45(2), 220-237.
- Dartanto, T. (2013). "Reducing Fuel Subsidies and The Implication on Fiscal Balance and Poverty In Indonesia: A Simulation Analysis". *Energy Policy*, 58, 117-134.
- Fraser, I. & Waschik, R. (2013). "The Double Dividend Hypothesis in a CGE Model: Specific Factors and the Carbon Base". *Energy Economics*, 39, 283-295.
- Goulder, L. H. (1995). "Environmental Taxation and the Double Dividend: A Reader's Guide". *International Tax Public Finance*, 2, 157-183.
- Goulder, L. H., Parry, I. W. H. & Burtraw, D. (1997). "Revenue-Raising Versus Other Approaches to Environmental Protection: The Critical Significance of Preexisting Tax Distortions". *The Rand Journal of Economics*, 28, 708-731.
- Hosoe, N., Gasawa, K. & Hashimoto, H. (2010). "Textbook of Computable General

	780,396	644,650	26,477
780,396			
644,650	(135,610)		
26,477			
(107,009)			
(52,876)			
44,967			
71,443			
150,367	(222,511)		
1,072,922	935,226		
282,220	43,755	2,397	
1,163,221	159,536	10,919	
587,729			
1,381,449		13,271	
468,581		52,193	
4,237,266		565,870	26,477
16	15	14	13
مجموع	پس‌انداز- سرمایه‌گذاری	دنیای خارج	سایر مالیات بر تولید

پیوست ۲. تغییرات تقاضای خانوارها در واکنش به سیاست توزیعی (درصد)

بخش‌ها/ سناریوها	سیم 1			سیم 2			سیم 3				سیم 4
	سیم توزیع نقدی از منابع			سیم توزیع نقدی از منابع			سیم توزیع نقدی از منابع				شهری
	سیم یارانه تولیدی از منابع			سیم یارانه تولیدی از منابع			سیم یارانه تولیدی از منابع				
	سیم کاهش پرداختی خانوارها به دولت از منابع			سیم کاهش پرداختی خانوارها به دولت از منابع			سیم کاهش پرداختی خانوارها به دولت از منابع				
خانوار	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری
کاشورزی	۱۳۴	۱۵۶	۷۶	۹۳	۷۴	۹۸	۴۳	۶۹	۶۹	۶۹	۹۴
مواد غذایی	۱۳۶	۱۵۴	۷۶	۹۲	۷۴	۹۷	۴۶	۷	۷	۷	۹۴۲
پوشاک	۱۱۷	۱۳۵	۶۳	۸	۶۱	۸۴	۴	۶۲	۶۲	۶۲	۷۱۸
کاغذ و چوب	۱۳۷	۱۳۸	۶۷	۷۷	۶۵	۸۲	۴۵	۶۱	۶۱	۶۱	۸۱۶
معادن	۱۶۳	۱۷۱	۷۲	۹۲	۷	۹۷	۵۱	۷۵	۷۵	۷۵	۹۶۶
صنایع غیر فلزی	۱۲	۱۳۷	۶۴	۸۳	۶۳	۸۷	۴۲	۶۳	۶۳	۶۳	۷۱۸
مواد شیمیایی	۱۱۶	۱۲۸	۵۶	۷۲	۵۵	۷۵	۳۹	۵۷	۵۷	۵۷	۷۱۳
صنایع فلزی	۶۶	۳۷۸	۳۴۵	۲۲۳	۳۳۹	۲۳۴	۲۰۷	۱۶۶	۱۶۶	۱۶۶	۴۳
ماشین‌آلات	۱۳	۱۳۸	۶۵	۷۹	۶۴	۸۴	۴۱	۶۱	۶۱	۶۱	۸۱۳
ساختمان	۱۴	۱۴۶	۷۳	۸۶	۷۱	۹۱	۴۶	۶۶	۶۶	۶۶	۹۱
بازرگانی	۱۳۷	۱۵	۸	۹۴	۷۸	۹۹	۵	۷۱	۷۱	۷۱	۹۹
حمل و نقل زمینی	۱۰۶	۱۲۷	۸۷	۱۰	۸۶	۱۰۶	۵۲	۷۲	۷۲	۷۲	۹۹
حمل و نقل دریایی	۷۹	۹	۴	۵۳	۳۹	۵۶	۲۷	۴۲	۴۲	۴۲	۵
حمل و نقل هوایی	۱۲	۱۰	۹۱	۸۳	۹	۸۶	۵۶	۵۹	۵۹	۵۹	۱۰
خدمات	۱۶	۱۷	۷	۸۸	۶۹	۹۴	۴۹	۷۱	۷۱	۷۱	۹۳

بخش‌ها/ ساز یوها		SIM5															
		سه‌م روش‌های توزیع منابع															
		سه‌م یارانه تولیدی از منابع		سه‌م کاهش پرداختی خانوارها		به دولت از منابع		سه‌م توزیع نقدی از منابع									
		سه‌م	سه‌م	سه‌م	سه‌م	سه‌م	سه‌م	سه‌م	سه‌م	سه‌م	سه‌م	سه‌م	سه‌م	سه‌م	سه‌م	سه‌م	
روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰	۳۰	۷۰		
۳۰</																	